

بررسی عوامل مؤثر بر اجتناب از مالیات و تأثیر آن بر معیارهای ارزیابی عملکرد با استفاده از معادلات ساختاری

محمد رضا مهربان پور*

استادیار حسابداری و عضو هیات علمی دانشگاه تهران

مهناز آهنگری

دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه تهران

سید حسام وقفی

مریی حسابداری و عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

پرویز مام صالحی

مریی حسابداری، دانشگاه پیام نور

چکیده

مالیات، مهم‌ترین درآمد دولت‌ها به شمار می‌رود که از دیرباز وصول می‌شده است. از سوی دیگر، شرکت‌ها همواره در پی پرداخت مالیات کمتر هستند. اجتناب مالیاتی، از جمله روش‌هایی است که پرداخت‌کنندگان مالیات می‌توانند به منظور کاهش مبلغ مالیات از آن استفاده کنند. در این تحقیق جهت بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر اجتناب از مالیات؛ متغیرهای کیفیت افشا، محدودیت مالی، محافظه‌کاری، پیش اطمینانی مدیریتی، تخصص حسابرس، رقابت بازار محصول و استقلال هیأت‌مدیره متغیرهای مستقل هستند و متغیر اجتناب از مالیات متغیر وابسته است. همچنین جهت بررسی تأثیر اجتناب از مالیات این متغیر نقش متغیر مستقل را خواهد داشت و متغیرهای بازده دارایی‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام، ارزش افزوده اقتصادی، ارزش شرکت و وجه نقد عملیاتی متغیر وابسته خواهند بود. برای این منظور، اطلاعات ۱۰۳ شرکت در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ با استفاده از نرم‌افزار SmartPLS3 و روش حداقل مربعات جزئی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد کیفیت افشا، بیش اطمینانی مدیریتی، تخصص حسابرس، محدودیت مالی و اندازه شرکت بر اجتناب از مالیات اثر معنادار و مثبتی دارد. از طرفی رابطه معناداری بین رقابت بازار محصول، استقلال هیأت‌مدیره و محافظه‌کاری با اجتناب از مالیات مشاهده نشد. نتایج همچنین بیانگر آن است که اجتناب از مالیات بر بازده دارایی‌ها و ارزش افزوده اقتصادی اثر معناداری ندارد ولی بر بازده حقوق صاحبان سهام، ارزش شرکت و وجه نقد عملیاتی اثر معنادار و مثبتی دارد.

واژگان کلیدی: اجتناب از مالیات، معیارهای عملکرد شرکت، حداقل مربعات جزئی، معادلات ساختاری

۱- مقدمه

هدف اقتصادی از وضع مالیات‌ها، تثبیت نوسانات اقتصادی، تخصیص بهینه تأمین منابع بین بخش‌های مختلف و کمک به تسریع فرآیند توسعه بخشی یا منطقه‌ای می‌باشد و هدف بودجه‌ای دولت‌ها از وضع مالیات‌ها نیز، تأمین مالی بودجه‌ی دولت می‌باشد. مالیات در حقیقت، به نوعی، پرداخت هزینه‌ی زندگی اجتماعی می‌باشد. با توجه به مفهوم تضاد منافع، اگر مدیران در جهت افزایش ارزش شرکت، وظایف خود را به درستی ایفا نکنند و به دنبال گریز از پرداخت مالیات باشند، از منظر سهامداران، فریب دولت و گریز از پرداخت مالیات، نه تنها توجیه پذیر نیست بلکه مطلوب و پسندیده هم نمی‌باشد. در حالی که جامعه و بخش عمومی انتظار دارند شرکت‌ها شهروندان خوبی باشند و سهم مالیات خود را به درستی و به موقع پرداخت نمایند و این استراتژی شرکت از منظر سایر گروه‌ها ناپسند تلقی شود (مشایخی و سیدی، ۱۳۹۴؛ ۱۰۳). مبانی نظری و شواهد تجربی نشان می‌دهد شرکت‌ها در تلاش هستند مالیات بر درآمد خود را کاهش داده یا به تعویق بیندازند. اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی، مدیریت سود و غیره، ابزارهایی هستند که شرکت‌ها ممکن است برای کاهش مالیات در صورت لزوم، بسته به وضعیت از آن‌ها استفاده کنند.

از دیدگاه نظری، منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش برای کاهش مالیات‌های پرداختی است (هانلوم و هیتزمن^۱، ۲۰۱۰؛ ۵۰). فرار مالیاتی نوعی تخلف قانونی است، اما اجتناب از مالیات، در واقع نوعی استفاده از خلأهای قانونی در قوانین مالیاتی برای کاهش مالیات است. بنابراین، از آنجاکه اجتناب مالیاتی فعالیتی به ظاهر قانونی است، به نظر می‌رسد که بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید باشد و چون اجتناب مالیاتی در محدوده‌ای معین برای استفاده از مزایای مالیاتی است، قوانین محدود کننده‌ای در زمینه‌ی کنترل آن وجود ندارد (خانی و همکاران، ۱۳۹۳؛ ۴۳). به نظر می‌رسد بسیاری از شرکت‌ها درگیر اجتناب مالیاتی باشند. به تازگی اجتناب از پرداخت مالیات به دلیل پیامدهای اقتصادی فراوان، توجه بسیاری از تحقیقات دانشگاهی و عملی را به خود معطوف کرده و تحقیقات زیادی در مورد عوامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی مؤثر بر اجتناب از پرداخت مالیات انجام شده است. شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر اجتناب از مالیات، می‌تواند سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران را در خصوص تدوین قوانین مالیاتی مناسب یاری رساند. همچنین بررسی این موضوع می‌تواند نحوه اجرایی شدن قوانین مالیاتی را نیز روشن سازد. افزون بر این، بر طبق تحقیقات صورت گرفته، سودهای اعلام شده توسط شرکت‌ها دارای محتوای اطلاعاتی بالایی است. هزینه مالیات متحمله توسط شرکت‌ها، مبالغ با اهمیتی می‌باشد که در نهایت سبب تغییر در سود خالص می‌شود. از این رو بررسی عوامل مؤثر بر هزینه مالیات حائز اهمیت می‌باشد. کیفیت حسابرِس و حسابرِس (خواجوی و کیامهر، ۱۳۹۵؛ ۷۹)، تخصص حسابرِس (خانی و همکاران، ۱۳۹۳؛ ۴۳)، اطمینان بیش از حد مدیریتی (چایز و همکاران^۲، ۲۰۱۴؛ ۳۰) و ... از جمله عواملی هستند که تأثیر آن‌ها بر اجتناب از مالیات و یا برعکس تأثیر اجتناب از مالیات بر آن‌ها مورد

بررسی قرار گرفته است. در برخی از این پژوهش‌ها اجتناب مالیاتی به عنوان متغیر وابسته و در برخی به عنوان متغیر مستقل مورد بررسی قرار گرفته است. حال این سؤال مطرح می‌شود که کدامیک از این رویکردهای اتخاذ شده در بالا بر دیگری اولویت دارد؟ ارتباط بین این متغیرها چگونه است؟ آیا می‌توان الگویی ارائه داد که در بورس اوراق بهادار تهران، اجتناب از پرداخت مالیات را تبیین نماید؟ در این مقاله تلاش می‌شود تأثیر مجموع عوامل تأثیرگذار بر اجتناب از مالیات که هر یک به صورت جداگانه در تحقیقات قبلی مورد بررسی قرار گرفته است رتبه‌بندی و مورد ارزیابی قرار گیرد. این پژوهش با مبانی نظری و پیشینه پژوهش‌های مرتبط با موضوع و همچنین روش پژوهش و سوال‌های برگرفته از مسأله و مبانی نظری پژوهش ادامه می‌یابد و پس از آن نتایج آزمون‌ها، مطرح شده و در نهایت با توجه به نتایج آزمون‌های انجام شده، نتیجه‌گیری و پیشنهادها بیان شده است.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

اجتناب از مالیات از دیدگاه سنتی و مرسوم خود یک فعالیت حداکثرکننده ارزش تلقی می‌شود که ثروت را از دولت به سهامداران شرکت منتقل می‌کند. با این وجود، یک ویژگی مهم شرکت‌های بزرگ و مدرن، جدایی مالکیت از مدیریت است. در چارچوب تئوری نمایندگی^۲، تحقیقات اخیر استدلال می‌کنند که فعالیت‌های اجتناب از مالیات، می‌تواند امکان رفتارهای فرصت‌طلبانه را به مدیریت بدهد. تعاریف متفاوتی از اجتناب مالیاتی به وسیله محققان ارائه شده است. اجتناب از پرداخت مالیات به عنوان کاهش مالیات آشکار هر ریال از سود قبل از مالیات تعریف شده است (هانلوم و هیتزمن، ۲۰۱۰؛ ۶۰). فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات به طور متداول به ابزارهای صرفه‌جویی مالیات که منابع را از دولت به سهام‌داران انتقال می‌دهد و ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می‌دهد، اطلاق می‌شود (دسای و ده‌ارماپالای^۳، ۲۰۰۹؛ ۹۱). پاسترناک و ریکو^۵، (۲۰۰۸؛ ۳۳)، اجتناب از پرداخت مالیات را استفاده قانونی از نظام مالیاتی برای منافع شخصی، به منظور کاهش مقدار مالیات قابل پرداخت به وسیله ابزارهایی که در خود قانون است، تعریف کرده‌اند. مبانی نظری و شواهد تجربی حاکی از آن است که شرکت‌ها تمایل به کاهش تعهدات مالیاتی خود دارند. اجتناب مالیاتی از جمله سیاست‌هایی است که می‌تواند مورد استفاده‌ی شرکت‌ها قرار گیرد و با کاهش مالیات، عملکرد و ارزش شرکت را بهبود بخشد. با این حال، باید توجه نمود که اقدامات و استراتژی‌های مالیاتی شرکت‌ها می‌تواند پیامدهای مطلوب و نامطلوب مختلفی برای شرکت در پی داشته باشد. تئوری نمایندگی اذعان می‌دارد که مدیران به عنوان نمایندگان مالکان وظیفه دارند در راستای حداکثر کردن ارزش شرکت گام بردارند و با در نظر گرفتن سهامداران به عنوان مرکز ثقل؛ به سایر گروه‌های ذینفع نیز توجه نمایند (مشایخی و سیدی، ۱۳۹۴؛ ۱۰۷).

برخی از پژوهشگران استدلال نمودند که راهبری شرکتی عاملی مؤثر بر نوع واکنش شرکت نسبت به تغییرات نرخ مالیات شرکت‌ها می‌باشد. هنگامی که دولت ضعیف باشد، افزایش نرخ مالیاتی منجر به این می‌شود که شرکت‌ها تدابیری بیندیشند که مالیات بنگاه را کاهش دهند. شرکت‌ها این کار را به طرق مختلفی مانند نقض و تخطی از قوانین و استفاده از خلأهای قانونی و غیره انجام می‌دهند. زمانی که راهبری شرکتی قوی باشد، افزایش نرخ مالیاتی بنگاه می‌تواند زمینه‌ی کسب بازدهی بیشتری را برای شرکت فراهم آورد. پژوهش‌های تجربی حاکی از آن است که بازار به سیاست‌های مالیاتی شرکت‌ها واکنش نشان می‌دهد و با واکنش منفی شرکت‌هایی را که رویه‌ی متهورانه‌ای در پیش گرفتند، جریمه می‌نمایند. در واقع، فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌تواند هزینه‌های غیر مالیاتی مستقیم و غیرمستقیمی برای شرکت به وجود آورد (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰؛ ۶۵). ادبیات موجود حسابداری بیان می‌کند که شرکت‌ها سعی دارند به گونه‌ای رفتار کنند که در هزینه مالیات خود صرفه‌جویی نمایند. دیدگاه مالیاتی محافظه‌کاری از سال ۱۹۰۹ به دنبال تلاش‌هایی که واحدهای اقتصادی برای کمتر نشان دادن مالیات در آمریکا انجام می‌دادند ارائه شد (واتس، ۲۰۰۳؛ ۲۰۷).

انگیزه مالیاتی برای اعمال حسابداری محافظه‌کارانه بسیار جذاب است، مخصوصاً در این برهه از زمان که مشاهده می‌نماییم این تردید و گمان قوت گرفته است که شرکت‌های بزرگ، مالیات کمتر از واقع پرداخت می‌نمایند. برخی از مطالعات نشان می‌دهند در سال‌های اخیر تصور اینکه شرکت‌های بزرگ مالیات واقعی خود را نمی‌پردازند شدت یافته است؛ این تصور بعد از رسوایی‌های اخیر تقویت گردیده است. انرون نمونه خوبی از این نوع شرکت‌ها است؛ این شرکت تا قبل از ورشکستگی خود مالیات ناچیزی پرداخت می‌کرد، در حالی که در همین اثنا درآمدهای هنگفتی شناسایی و گزارش می‌نمود (کیم و یانگ، ۲۰۰۵؛ ۳۳). در واقع انرون با استفاده از ضعف‌های قانونی و استانداردی و همچنین با به‌کارگیری حسابداری متهورانه و تقلب در گزارشگری مالی نشان داد چگونه می‌توان چندین سال بازار، دولت و جامعه را فریب داد و در عین حالی که درآمدهای هنگفتی شناسایی نمود؛ از شناسایی و پرداخت مالیات اجتناب نمود. به هر حال محافظه‌کاری و اجتناب مالیاتی؛ البته در بعد محدود آن؛ از جمله سیاست‌های شرکت‌ها برای کاهش مالیات می‌باشند. با این حال هر یک از این سیاست‌ها تأثیر متفاوتی بر مالیات دارند. محافظه‌کاری عموماً سعی در به تعویق انداختن مالیات دارد؛ در حالی که اجتناب مالیاتی سعی در منتفی نمودن شناسایی و پرداخت مالیات دارد. در این خصوص هر چند که محافظه‌کاری منجر به کاهش سود و کم‌نمایی دارایی‌ها می‌شود، ولی با توجه به اینکه در اجتناب مالیاتی شرکت‌ها سعی دارند از خلأ قانونی به نفع خود استفاده نمایند و یا اینکه سعی نمایند درآمدهای خود را از منابع معاف از مالیات تحصیل نمایند و از این طریق در مالیات بر درآمد خود صرفه‌جویی نمایند؛ لذا اجتناب مالیاتی می‌تواند ضمن کاهش مالیات بر درآمد، سود و دارایی‌ها را افزایش دهد.

بنابراین اتخاذ رویکرد کاهش می‌تواند مالیات تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار گیرد (مهرانی و سیدی، ۱۳۹۳: ۱۳).

از طرفی دیگر نیز در شرکت‌ها، اطمینان بیش‌ازحد مدیرعامل به صورت مستعد بودن مدیرعامل برای پیش‌بینی بسیار مثبت نتایج تعریف می‌شود (مالمندیر و تیت^۸، ۲۰۰۵؛ ۶۶۱). مدیری که اطمینان بیش‌ازحد دارد، به‌طور نظام‌مندی بازده آتی ناشی از پروژه‌های سرمایه‌گذاری را بیش‌ازحد تخمین می‌زند یا به بیانی، احتمال و اثر رویدادهای مطلوب بر جریان‌های نقدی شرکت را بیش‌از حد برآورد می‌کند و احتمال و اثر رویدادهای نامطلوب بر جریان‌های نقدی شرکت را کمتر از حد تخمین می‌زند (هیتن^۹، ۲۰۰۲؛ ۳۳). بنابراین انتظار می‌رود مدیرانی که اطمینان بیش‌ازحد دارند، مخارج سرمایه‌ای بیشتری داشته باشند (بن و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۰؛ ۱۵۴۷) و سرمایه‌گذاری بیش‌ازحدی در پروژه‌های سرمایه‌گذاری انجام دهند (مالمندیر و تیت، ۲۰۰۵؛ ۶۶۳). به سبب این افزایش سرمایه‌گذاری در مخارج سرمایه‌ای (دارایی‌های ثابت)، هزینه‌ی استهلاک افزایش می‌یابد؛ هزینه‌ای که به سود کمتر و هزینه‌ی مالیات کمتر می‌انجامد.

همچنین افزایش سرمایه‌گذاری به هزینه‌ی عملیاتی بیشتر منجر می‌شود. این افزایش در هزینه‌های عملیاتی سبب می‌شود درآمد مشمول مالیات شرکت کمتر شود و در نهایت، هزینه‌ی مالیات شرکت کاهش یابد. اطمینان بیش‌ازحد مدیریتی سبب تخمین بیش‌ازحد بازده خالص ارزش فعلی جریان‌های نقدی ناشی از سرمایه‌گذاری در برنامه‌ریزی مالیاتی می‌شود. در واقع اطمینان بیش‌ازحد مدیریتی، از طریق تخمین بیش‌ازحد صرفه‌جویی مالیاتی در برنامه‌ریزی مالیاتی، تخمین کمتر از حد هزینه‌های تحمیل‌شده‌ی ناشی از سرمایه‌گذاری در برنامه‌ریزی مالیاتی یا ترکیبی از این دو، میزان سرمایه‌گذاری در طرح‌های مالیات‌کاه را افزایش می‌دهد و به افزایش اجتناب مالیاتی منجر می‌شود (چایز و همکاران، ۲۰۱۴؛ ۳۵). با در نظر گرفتن ویژگی اطمینان بیش‌از حد مدیران، افشاء شرکتی، بهتر می‌تواند اهداف فعالیت‌های اجتناب مالیاتی و انگیزه کسب منافع افراد درون‌سازمانی را روشن و آشکار سازد. مدیریت ممکن است جهت کاهش هزینه‌های ناشی از مالیات بر درآمد شرکت انواع گوناگونی از فعالیت‌های اجتناب مالیاتی را به کار گیرد. آن فعالیت‌ها توأم با ریسک بالایی هستند. در سایه برنامه‌های اجتناب مالیاتی نباید هیچ اهداف دیگری وجود داشته باشد، اما ماهیت مبهم و غیر شفاف برنامه‌های اجتناب مالیاتی می‌تواند موقعیت‌های مناسبی برای مدیریت فرصت‌طلب در جهت کسب منافع و سوءاستفاده از منابع مالکان فراهم نماید. اما یک سیستم افشاء کارآمد می‌تواند رفتار مدیریت واحد اقتصادی را به مالکان برون‌سازمانی انعکاس دهد تا مدیریت نتواند در سایه فعالیت‌های اجتناب مالیاتی منافع شخصی خود را دنبال کند و جهت‌گیری آن فعالیت‌ها در جهت افزایش ثروت سهامداران انجام گیرد. همچنین به علت اینکه برنامه‌های اجتناب مالیاتی پیچیده است اگر رویدادها و مبادلات شرکت به‌صورت دقیق و به‌موقع به اطلاع سهامداران برسد دغدغه آن‌ها از هزینه‌های پنهان مرتبط

با فعالیت‌های اجتناب مالیاتی اعم از مستقیم و غیرمستقیم کاهش می‌یابد و استقبال آنان از این عملکرد با علم به اینکه فعالیت‌های اجتناب مالیاتی مدیریت انتقال منابع آنان را به دولت کاهش می‌دهد، باعث افزایش تقاضای سرمایه‌گذاری و در نتیجه افزایش قیمت سهام واحد اقتصادی خواهد شد (گوپتا^{۱۱}، ۱۹۹۷؛ ۳).

یکی از راه‌هایی که شرکت‌ها می‌توانند میزان وجه نقد خود را بدون نیاز به منابع خارجی افزایش دهند، فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی می‌باشد. شرکت‌ها می‌توانند از طریق فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات، میزان خروجی عایدات شرکت را از طریق مالیات کاهش دهند و به‌نوعی یک جریان نقدی را به درون شرکت ایجاد کنند. صرفه‌جویی ناشی از فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند منبع مالی ارزشمند برای ضعف مالی شرکت باشد و تأمین مالی از طریق بدهی یا وجه نقد را کاهش دهد (کیم و همکاران^{۱۲}، ۲۰۰۵؛ ۳۳). از طرف دیگر، شرکت‌هایی که با محدودیت مالی بیشتری روبرو می‌شوند، انگیزه بیشتری دارند که برای تأمین منابع مالی از پرداخت مالیات اجتناب کنند. با به‌کارگیری رفتار جسورانه مالیاتی، شرکت‌هایی که از نظر مالی در محدودیت قرار دارند، می‌توانند وجه نقد بیشتری را صرفه‌جویی کنند و این شرکت‌ها تمایل دارند که از وجه نقد صرفه‌جویی شده برای رفع مشکل سرمایه‌گذاری استفاده کنند (چن و لای^{۱۳}، ۲۰۱۱؛ ۸۵). از سوی دیگر آلمیدا و همکاران^{۱۴} (۲۰۰۴؛ ۱۷۸۰) استدلال می‌کنند شرکت‌های دارای محدودیت مالی، به‌منظور بهره‌برداری از فرصت‌های سرمایه‌گذاری سودآور آتی و جلوگیری از هدر رفتن چنین فرصت‌هایی، قسمت زیادی از جریان نقدی خود را ذخیره می‌کنند. بنابراین انتظار می‌رود بین اجتناب از پرداخت مالیات و میزان وجه نقد در شرکت‌هایی که با محدودیت مالی روبرو هستند، رابطه قوی‌تری وجود داشته باشد. شرکت‌هایی که در صنایع رقابتی فعالیت می‌کنند بیشتر در معرض شوک‌های بازار قرار دارند و رفتار یک شرکت تک مالکی می‌تواند کل بازار را تحت تأثیر قرار دهد. به‌طور کلی، شرکت‌هایی که تحت فشار رقابتی بیشتر قرار دارند انگیزه بیشتری برای جلوگیری از پرداخت مالیات به‌منظور حفظ منابع مالی برای شرایط اضطراری و همچنین سرمایه‌گذاری در مواقع لزوم دارند. بنابراین، شرکت‌ها در صنایع رقابتی‌تر و در موقعیت نسبتاً زیان‌آور در صنعت باید انگیزه قوی‌تری برای اجتناب از پرداخت مالیات داشته باشند (کای و لیو^{۱۵}، ۲۰۰۹؛ ۷۶۴). دو دیدگاه در مورد تأثیر وضعیت رقابتی شرکت بر فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات وجود دارد. در دیدگاه اول هرچه شرکت توانسته باشد کالایی ارزان‌تر با کیفیت‌تر و با ویژگی‌های خاص تولید کند و به شرایطی نزدیک به انحصار رسیده باشد، رفتار اجتناب از پرداخت مالیات بیشتری انجام خواهد داد. شرکت‌های دارای چنین توانایی قادرند تا به میزان بالاتر و بادوام‌تر به درآمدهای تعهدی خود به‌منظور حفظ موقعیت در بازار محصول برسند (ایروین و پونتیف^{۱۶}، ۲۰۰۹؛ ۱۱۴۹ و پیرس^{۱۷}، ۲۰۱۰؛ ۱۰).

بنابراین می‌توانند با ترس کمتری نسبت به از دست دادن سهم بازارشان در فعالیت‌های جسورانه‌تر درگیر شوند، بنابراین مشخص است که شرکت‌هایی با چنین وضعیتی بیشتر دست به اقدامات جسورانه خواهند زد (چن و میلر^{۱۸}، ۱۹۹۴؛ ۸۵). در دیدگاه دوم، هرچه رقابت کمتری بین شرکت‌ها وجود داشته باشد یا شرکت در وضعیت انحصاری قرار داشته باشد کمتر خود را درگیر فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات خواهد کرد یا بالعکس. هرچه رقابت در بازار محصول بیشتر باشد و شرکت‌های زیادی در تولید و فروش یک نوع محصول باهم در رقابت باشند، شرکت‌ها بیشتر خود را درگیر فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات می‌کنند (خدای پور و بزرایی، ۱۳۹۴؛ ۵۱). از طرفی، رقابت بازار محصول می‌تواند انگیزه‌های شرکت را برای درگیر شدن در فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات کاهش دهد. رقابت بازار محصول هزینه‌های نمایندگی را افزایش می‌دهد که این امر می‌تواند فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات را به‌طور چشمگیری کاهش دهد. کراکر و همکاران^{۱۹} (۲۰۰۵؛ ۱۵۹۳) استدلال می‌کنند که مدیریت، فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات را زمانی کاهش می‌دهد که هزینه سرمایه افزایش می‌یابد تا ارزش سهام شرکت را حفظ کند و از قیمت‌های تخفیفی به سهامداران جلوگیری کند. در حقیقت، مدیریت حفظ ارزش شرکت را در اولویت کارهای خود قرار می‌دهد و از دست زدن به اعمالی خودداری خواهد نمود که احتمال کاهش ارزش شرکت را دارد. چون وضعیت انحصاری شرکت در بازار با هزینه‌های نمایندگی بالاتر همراه است، رقابت بازار محصول می‌تواند فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات را کاهش دهد.

از جمله استراتژی‌هایی که در حال حاضر در مؤسسات حسابرسی برای افزایش سطح سودآوری به‌کاربرده می‌شود، افزایش سطح تخصص در صنعت مشتری است. منظور از تخصص حسابرس در یک صنعت، شامل خلق ایده‌های سازنده جهت کمک (خلق ارزش افزوده) به صاحبکاران، همچنین فراهم نمودن دیدگاه‌ها و راهکارهای تازه برای برخی از موضوع‌هایی است که صاحبکاران در صنایع مربوط به خود با آن مواجه می‌شوند (کند^{۲۰}، ۲۰۰۸؛ ۴۹). حسابرس ممکن است به‌طور هم‌زمان دو نقش متفاوت و مجزا را به‌عنوان حسابرس و به‌عنوان مشاوره مالیاتی برای شرکت‌ها ایفا کند. طبق ادبیات حسابرسی، مؤسسات حسابرسی به دنبال آموزش بیشتر کارکنان و افراد حرفه‌ای خود و افزایش سطح تخصص آنان در زمینه‌های مختلف و از جمله مالیاتی در یک صنعت خاص هستند (فرگوسن و همکاران^{۲۱}، ۲۰۰۳؛ ۴۲۹؛ سولومون^{۲۲}، ۱۹۹۹؛ ۱۹۱). در پژوهش‌های گذشته نشان داده شده است که تخصص و دانش حسابرس در زمینه‌های مالیاتی و صنعت مشتری، از عوامل کلیدی مورد توجه شرکت‌های صاحبکار در جهت برنامه‌ریزی مالیاتی است (بونر و همکاران^{۲۳}، ۱۹۹۲؛ ۱۲).

پیشینه پژوهش

تحریری و خوئینی (۱۳۹۶) در تحقیقی به بررسی کیفیت اطلاعات داخلی، کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پرداختند. نتایج نشان می‌دهند هرچه کیفیت اطلاعات داخلی بیشتر باشد، اجتناب از مالیات بالاتر خواهد بود و اثر مثبت آن در شرکت‌هایی که با عدم قطعیت بالاتری همراه هستند، بیشتر است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که کیفیت بالاتر اطلاعات داخلی، ریسک ناشی از روش‌های اجتناب مالیاتی را کاهش نمی‌دهد در حالیکه کیفیت افشای بالاتر، با اجتناب از مالیات کمتری همراه است.

حسینی القار و شعری آناقیز (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پرداختند. نتایج نشان می‌دهد نشان می‌دهد توانایی مدیریت، تأثیر مثبت معناداری بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. همچنین یافته‌ها نشان‌دهنده تأثیر غیرمستقیم اندازه‌ی شرکت و اهرم مالی بر اجتناب مالیاتی است.

خواجوی و کیامهر (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان مدل‌سازی اجتناب مالیاتی با استفاده از اطلاعات حسابداری؛ شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران نشان دادند که حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی تأثیرگذار است، به طوری که با افزایش سازوکارهای حاکمیت شرکتی، اجتناب مالیاتی کاهش می‌یابد. همچنین حاکمیت شرکتی به طور غیرمستقیم (از طریق متغیر میانجی کیفیت گزارشگری مالی) بر اجتناب مالیاتی تأثیرگذار است. سایر نتایج پژوهش نیز نشان می‌دهد کیفیت حسابرسی بر اجتناب مالیاتی تأثیرگذار است به طوری که با افزایش کیفیت حسابرسی، اجتناب مالیاتی کاهش می‌یابد. همچنین کیفیت حسابرسی به طور غیرمستقیم (طریق متغیر میانجی کیفیت گزارشگری مالی) بر اجتناب مالیاتی تأثیرگذار است.

مشایخی و سیدی (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی نشان دادند که رابطه معناداری بین راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی وجود ندارد. علاوه بر این، رابطه منفی و معناداری بین متغیرهای کنترلی سودآوری و اندازه شرکت و همچنین رابطه مثبت و معناداری بین حسابرسی مالیاتی و اجتناب مالیاتی مشاهده گردید.

کوستر و همکاران^{۲۴} (۲۰۱۶) نشان دادند که کاهش در پرداخت مالیات، تأثیر نامطلوبی بر عملکرد شرکت برجای نمی‌گذارد، در حالی که کاهش هزینه‌های عملیاتی (مثل یازاریابی، تولید، نیروی کار و غیره) می‌تواند تأثیرات نامطلوبی بر عملکرد شرکت داشته باشد.

کوییک و همکاران^{۲۵} (۲۰۱۴) به بررسی رفتارهای اجتناب مالیاتی قبل از انتشار اخطار مرتبط با مالیات (مربوط به کیفیت افشای ضعیف) کمسیون بورس اوراق بهادار می‌پردازند. در این پژوهش برای اندازه‌گیری کیفیت افشا، دریافت اخطار و یا عدم دریافت آن مورد توجه قرار گرفته است. به عبارت دیگر، شرکت‌هایی که اخطار دریافت نکرده بودند، به عنوان شرکت‌های با کیفیت افشای بالا در نظر گرفته شدند. به منظور اندازه‌گیری اجتناب مالیات از شاخص‌های مختلفی شامل نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی، نرخ مؤثر هزینه مالیات و تفاوت مالیاتی استفاده شده

است. پژوهشگران دریافته‌اند که با افزایش کیفیت افشا، هزینه اجتناب از مالیات بالاتر و اجتناب مالیاتی کاهش می‌یابد.

چن و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی رابطه اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت برای بازه زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۹ در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس کشور چین پرداختند در پژوهش از هآن شاخص کیو توپین برای ارزش شرکت به عنوان متغیر وابسته استفاده شده است. شاخص اجتناب مالیاتی با نرخ وؤثر مالیات نقدی پرداختی اندازه‌گیری شده است. آن‌ها دریافته‌اند که رفتار اجتناب از مالیات با افزایش هزینه های نمایندگی، ارزش شرکت را کاهش می‌دهد.

با توجه به مبانی نظری بیان شده و پژوهش‌های حقیقت و محمدی (۱۳۹۲؛ ۲۰۹)، مهرانی و سیدی (۱۳۹۳؛ ۱۵)، حساس یگانه و گل محمدی (۱۳۹۰؛ ۲۴۰)، مشایخی و علی پناه (۱۳۹۴؛ ۸۵)، آلمیدا و همکاران (۲۰۰۴؛ ۱۷۷۹)، چایز و همکاران (۲۰۱۴؛ ۴۰)، کیم و یانگ (۲۰۰۷؛ ۱۱۰)، بونر و همکاران (۱۹۹۲؛ ۱۲)، فرگوسن و همکاران (۲۰۰۳؛ ۴۳۰) و کراکر و همکاران (۲۰۰۵؛ ۱۵۹۵) سؤال‌های زیر تدوین شده است.

آیا عواملی همچون کیفیت افشا، محدودیت مالی، محافظه‌کاری، پیش اطمینانی مدیریتی، تخصص حسابرس، رقابت بازار محصول و استقلال هیأت‌مدیره بر اجتناب از مالیات شرکت‌ها تأثیر معناداری دارد؟

آیا اجتناب از مالیات بر عامل‌های بازده دارایی‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام، ارزش‌افزوده اقتصادی، ارزش شرکت و وجه نقد عملیاتی شرکت‌ها تأثیر معناداری دارد؟

۳- روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از لحاظ روش همبستگی و از لحاظ هدف کاربردی می‌باشد، پژوهش حاضر در زمره تحقیقات توصیفی حسابداری به شمار می‌رود. به‌علاوه با توجه به اینکه از اطلاعات تاریخی در آزمون سؤال‌ها آن استفاده خواهد شد در گروه تحقیقات غیرآزمایشی طبقه‌بندی می‌گردد. همچنین تحقیق حاضر به لحاظ معرفت‌شناسی از نوع تجربه‌گرا، سیستم استدلال آن استقرایی و به لحاظ نوع مطالعه میدانی - کتابخانه‌ای با استفاده از اطلاعات تاریخی به‌صورت پس‌رویدادی (یعنی استفاده از اطلاعات گذشته) می‌باشد. جامعه‌ی آماری این تحقیق شامل تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که شرایط زیر را دارا باشند، می‌باشد.

۱- در دوره‌ی مورد بررسی تغییر دوره‌ی مالی نداشته باشند.

۲- شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری‌های مالی، بانک و لیزینگ نباشند.

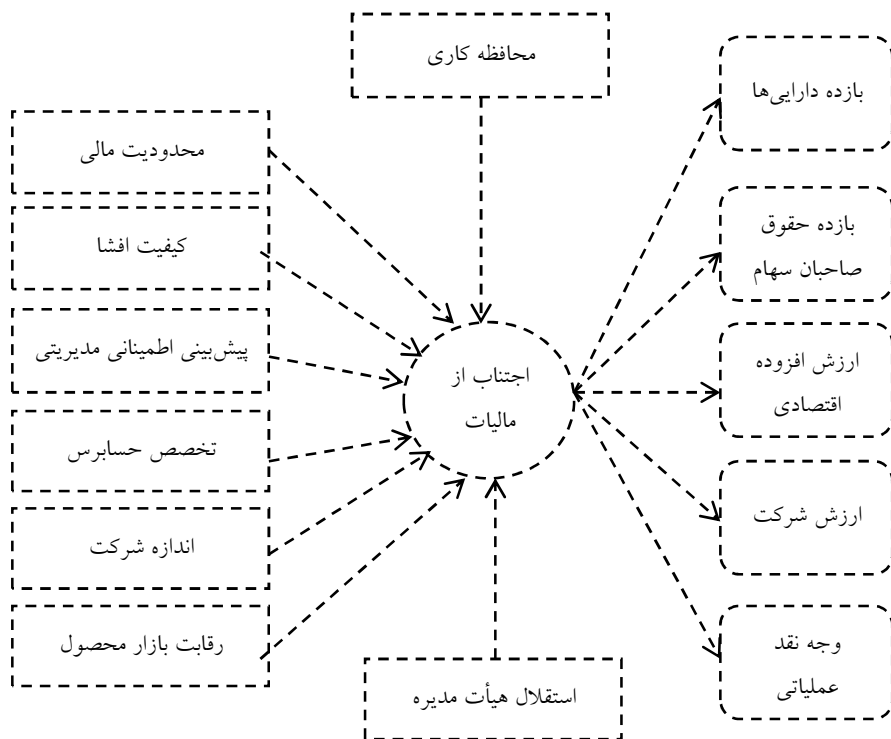
۳- داده‌های مورد نظر آن‌ها در دسترس باشد.

۴- شرکت‌هایی که در دوره پژوهش فعال بوده‌اند.

در نهایت با توجه به محدودیت‌های ذکر شده تعداد ۵۱۵ سال - شرکت (۱۰۳ شرکت) طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ به عنوان جامعه آماری انتخاب شده اند که با توجه به در دسترس بودن اطلاعات، تمام شرکت ها به عنوان نمونه آماری با استفاده از نرم افزار SmartPLS3 و روش حداقل مربعات جزئی مورد بررسی قرار گرفته است.

۳-۱- مدل مفهومی پژوهش

داده‌های این پژوهش، مبتنی بر ارقام و اطلاعات واقعی بازار سهام و صورت‌های مالی شرکت‌ها است که از طریق مراجعه به صورت‌های مالی، پایگاه اطلاعاتی سازمان بورس اوراق بهادار و با استفاده از نرم افزار ره‌آورد نوین گردآوری شده‌اند.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

۳-۲- متغیرهای تحقیق

در این تحقیق جهت بررسی و شناسایی عامل‌های مؤثر بر اجتناب از مالیات، متغیرهای کیفیت افشا، محدودیت مالی، محافظه‌کاری، پیش‌بینی اطمینانی مدیریتی، تخصص حسابرسان، رقابت بازار

محصول و استقلال هیأت‌مدیره و اندازه شرکت متغیرهای مستقل هستند و متغیر اجتناب از مالیات متغیر وابسته است.

کیفیت افشا: برای محاسبه کیفیت افشا در این پژوهش از امتیاز کیفیت افشای شرکت‌ها در گزارش کیفیت افشا استفاده شده است و با توجه به پژوهش جبارزاده و همکاران (۱۳۹۵؛ ۲۵) به عنوان متغیر مستقل انتخاب شده است.

محدودیت مالی: در این پژوهش از مدل کاپلن جهت محاسبه محدودیت مالی استفاده شده است و بر اساس پژوهش چن و لای (۲۰۱۱؛ ۸۶) به عنوان متغیر مستقل انتخاب شده است. محافظه کاری: در این پژوهش برای محاسبه محافظه کاری از مدل گیولی و هاین^{۲۶} (۲۰۰۰؛ ۲۹۰) و از تقسیم (افلام تعهدی غیر عملیاتی بر کل دارایی‌ها) * (۱-) استفاده شده است و مطابق با پژوهش مهرانی و سیدی (۱۳۹۳؛ ۲۰) به عنوان متغیر مستقل انتخاب شده است.

بیش اطمینانی مدیریت: برای محاسبه بیش اطمینانی مدیریت به پیروی از شراند و زچمن^{۲۷} (۲۰۱۱؛ ۱۰) این شاخص میزان سرمایه‌گذاری‌های مازاد در دارایی‌ها را نشان می‌دهد، از باقیمانده رگرسیون رشد دارایی کل بر رشد فروش که برای هر صنعت - سال جداگانه برآورد می‌شود، به دست می‌آید. اگر باقیمانده رگرسیون بزرگتر از صفر باشد این شاخص برابر یک و در غیر اینصورت برابر صفر می‌باشد. استفاده از این شاخص بر این مبنا است که در شرکت‌هایی که دارایی‌ها با نرخ بالاتری نسبت به فروش رشد می‌کنند مدیران نسبت به همتای خود بیشتر در شرکت سرمایه‌گذاری می‌کنند.

$$\text{Asset.Gr}_{j,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Sale.Gr}_{j,t} + e_{j,t}$$

تخصص حسابرس در صنعت: از رویکرد سهم بازار برای محاسبه متغیر تخصص حسابرس در صنعت استفاده می‌گردد. مطابق این رویکرد، تخصص حسابرس در صنعت یک متغیر موهومی بوده و چنانچه سهم بازار یک مؤسسه حسابرسی خاص از نسبت به دست آمده از رابطه

$$\frac{0.5}{\text{تعداد موسسات حسابرسی موجود در صنعت}} \times$$

در صنعت در نظر گرفته می‌شود و متغیر مربوط به تخصص حسابرس در صنعت عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته می‌شود (ابراهیمی کردلر و رحمتی، ۱۳۹۲؛ ۴۳). که براساس پژوهش فرگوسن و همکاران (۲۰۰۳؛ ۴۳۵) به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. سهم بازار مؤسسات حسابرسی از با نسبت سهم بازار محاسبه می‌شود.

مجموع فروشهای موجود در صنعت k که توسط مؤسسه حسابرسی i مورد حسابرسی قرار گرفته است

تمام فروشهای موجود در صنعت k که توسط مؤسسات حسابرسی i آتا حسابرسی شده اند

استقلال هیات مدیره: در این پژوهش برای محاسبه استقلال هیات مدیره از نسبت مدیران غیر موظف به کل اعضای هیات مدیره استفاده شده است و مطابق با پژوهش مشایخی و سیدی (۱۳۹۴؛ ۶۰) به عنوان متغیر مستقل انتخاب شده است.

اندازه شرکت: برای محاسبه اندازه شرکت از لگاریتم مجموع دارایی ها استفاده گردید و بر اساس پژوهش مشایخی و سیدی (۱۳۹۴؛ ۶۰) به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. همچنین جهت بررسی تأثیر اجتناب از مالیات این متغیر نقش متغیر مستقل را خواهد داشت و متغیرهای بازده دارایی ها، بازده حقوق صاحبان سهام، ارزش افزوده اقتصادی، ارزش شرکت و وجه نقد عملیاتی متغیر وابسته خواهند بود.

بازده دارایی ها: برای محاسبه بازده دارایی ها از نسبت سود خالص به کل دارایی ها استفاده شده است و مطابق با پژوهش روحانی و شهریاری (۱۳۹۴؛ ۷) به عنوان متغیر وابسته جهت بررسی تأثیر میزان اجتناب از مالیات در نظر گرفته شده است.

بازده حقوق صاحبان سهام: در این پژوهش از نسبت سود خالص به مجموع حقوق صاحبان سهام استفاده شد و مطابق پژوهش جوانی و اصلانی (۱۳۹۴؛ ۷) به عنوان متغیر وابسته جهت بررسی تأثیر میزان اجتناب از مالیات در نظر گرفته شده است.

ارزش افزوده اقتصادی: ارزش افزوده اقتصادی یکی از مهم ترین معیارهای ارزیابی عملکرد است. این معیار از طریق رابطه زیر بیان می شود:

$$EVA_t = NOPAT_t - WACC (Capital_{t-1})$$

در این مدل EVA ارزش افزوده اقتصادی، NOPAT سود خالص عملیاتی پس از کسر مالیات، Capital سرمایه بکار گرفته شده در شرکت و WACC نرخ متوسط هزینه سرمایه است. مطابق با پژوهش خراسانی (۱۳۹۵؛ ۶) به عنوان متغیر وابسته جهت بررسی تأثیر میزان اجتناب از مالیات در نظر گرفته شده است.

ارزش شرکت: ارزش شرکت برای هر سال - شرکت به صورت ارزش بازار هر سهم بعد از مجمع محاسبه می شود. و مطابق با پژوهش مشایخی و علی پناه (۱۳۹۴؛ ۶۰) به عنوان متغیر وابسته جهت بررسی تأثیر میزان اجتناب از مالیات در نظر گرفته شده است.

وجه نقد عملیاتی: از نسبت وجه نقد عملیاتی شرکت به دارایی ها استفاده شده است و مطابق با پژوهش فروغی و محمدی (۱۳۹۲؛ ۱۰۲) به عنوان متغیر وابسته جهت بررسی تأثیر میزان اجتناب از مالیات در نظر گرفته شده است.

اجتناب از مالیات: استراتژی های مالیاتی که مالیات را به تعویق می اندازد، نرخ موثر مالیات جاری را تغییر خواهد داد در نتیجه در این پژوهش مطابق پژوهش خانی و همکاران (۱۳۹۳؛ ۶۰) و مشایخی و علی پناه (۱۳۹۴؛ ۱۰۰) از نرخ موثر مالیاتی جهت محاسبه متغیر اجتناب از مالیات استفاده می گردد بدین منظور کل هزینه مالیات بر درآمد بر کل سود حسابداری قبل از مالیات حاصل می شود (خانی و همکاران، ۱۳۹۳؛ ۶۱).

۴- یافته های پژوهش

در این پژوهش اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از روش های آماری معادلات حداقل مربعات جزئی (PLS) و نرم افزار SmartPLS مورد آزمون قرار گرفته است. حداقل مربعات جزئی (PLS) یک فن مدل سازی مبتنی بر واریانس است. این تکنیک امکان بررسی روابط متغیرهای پنهان و سنجه ها (متغیرهای قابل مشاهده) را به صورت هم زمان فراهم می سازد.

۴-۱- آمار توصیفی

نگاره ۱: آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

ویژگی متغیر	میانگین	میانه	حداقل	حداکثر	انحراف معیار	مقدار احتمال نرمالتی
کیفیت افشا	۷۶/۴۲	۸۴/۹۴	۲۸/۵۰	۹۹/۲۹	۱۸/۶۴	۰/۲۳۰
بیش اطمینانی مدیریتی	۰/۲۴	۰/۲۶	۰/۰۱	۰/۸۹	۰/۲۸	۰/۶۵۲
تخصص حسابرسان	۰/۴۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱	۰/۴۹	۰/۶۳۵
اندازه شرکت	۱۳/۷۸	۱۳/۷۱	۶/۹۰	۱۸/۴۴	۰/۶۳۲	۰/۰۶۳
رقابت بازار محصول	۰/۱۶	۰/۲۲	۰/۰۴	۰/۸۶	۰/۱۲۵	۰/۰۸۸
استقلال هیأت مدیره	۰/۵۹	۰/۵۵	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۳۰	۰/۳۶۰
محافظه کاری	۰/۰۳۰	۰/۰۲۲	-۰/۴۰۱	۰/۵۳۴	۰/۱۲۶	۰/۲۰۰
بازده دارایی ها	۰/۴۰۵	۰/۳۹۰	-۰/۰۵۱	۰/۶۲۷	۰/۱۵۵	۰/۴۱۲
بازده حقوق صاحبان سهام	۰/۱۴	۰/۲۸	-۰/۷۰	۰/۶۷	۳/۱۲	۰/۱۲۲
ارزش شرکت	۱/۸۴۹	۱/۵۷۰	۰/۵۳۲	۷/۶۶۶	۰/۹۴۱	۰/۷۱۲
وجه نقد عملیاتی	۰/۳۰	۰/۳۳	۰/۱۲	۰/۸۴	۰/۱۴	۰/۶۶۵
اجتناب از مالیات	۰/۶۹۷	۰/۸۶۰	۰/۰۶	۰/۷۷۱	۰/۴۵۸	۰/۱۹۱
متغیر	تعداد	درصد				
محدودیت مالی						
دارد	۵۳	۵۱				
ندارد	۵۰	۴۹				

نگاره ۱ آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش را نشان می دهد که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزا است. این پارامترها عمدتاً شامل اطلاعات مربوط به شاخص های مرکزی، نظیر بیشینه، کمینه، میانگین و میانه و همچنین اطلاعات مربوط به شاخص های پراکندگی نظیر انحراف معیار است. مهم ترین شاخص مرکزی میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده هاست. برای مثال میانگین اجتناب از مالیات برابر ۰/۶۹۷ است که نشان می دهد بیشتر داده های مربوط به این متغیرها حول این نقطه متمرکز یافته اند. میانه یکی دیگر از شاخص های مرکزی است که وضعیت را نشان می دهد. همان گونه که در نگاره ۱ مشاهده می شود، میانه متغیر اندازه شرکت برابر با ۱۳/۷۱ که نشان می دهد نیمی از داده ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. به طور کلی، پارامترهای پراکندگی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده ها با یکدیگر یا میزان پراکندگی آن ها نسبت به میانگین است از جمله مهم ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای متغیر کیفیت افشا و رقابت بازار محصول حاکی از این موضوع است

که این دو متغیر به ترتیب دارای بیشترین و کمترین میزان پراکندگی هستند. نرمال بودن توزیع متغیرهای کمی مورد مطالعه با استفاده از آزمون شاپیرو-ویلک مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به اینکه در مورد همه متغیرهای مورد مطالعه مقدار احتمال این آزمون از ۰/۰۵ بیشتر بود، فرض نرمال بودن متغیر رد نشد و این متغیرها نرمال در نظر گرفته شدند.

۴-۲- آزمون بارتلت و کایز-میر-اوکین

این آزمون مناسب بودن داده‌ها جهت انجام تحلیل عاملی را مشخص می‌کند. مقدار این آماره بین ۰ تا ۱ تغییر می‌کند. اگر نمونه مناسب باشد مقدار این آماره باید بزرگتر از ۰/۵ باشد که در اینجا مقدار آماره بدست آمده برابر با ۰/۴۸۳ است، بنابراین تحلیل عاملی برای این مجموعه داده‌ها مناسب است. نگاره ۲ نتایج آزمون بارتلت و کایز-میر-اوکین را نشان می‌دهد. لازمه انجام تحلیل عاملی این است که همبستگی بین متغیرها صفر نباشد، ولی اگر ماتریس همبستگی ماتریس همانی باشد به این معنی است که همه ضرایب همبستگی صفر هستند. اگر آزمون بارتلت معنی‌دار باشد یعنی ماتریس همبستگی همانی نیست و بین متغیرها همبستگی وجود دارد و امکان انجام تحلیل عاملی وجود دارد.

نگاره ۲: آزمون بارتلت و کایز-میر-اوکین

آماره	کایز-میر-اوکین
۰/۷۰۵	آماره آزمون
۴۵۹۴/۳۲۰	آزمون کورویت بارتلت
۱۰۵	درجه آزادی
<۰/۰۰۱	نتیجه آزمون

۴-۳- بررسی شاخص‌های نکویی برازش

شاخص‌های متفاوتی جهت تعیین برازندگی مدل با واقعیت وجود دارد که از برخی از آن‌ها در این تحقیق استفاده شده است. بطور کلی این شاخص‌ها به سه دسته تعلق دارند: مطلق، نسبی و تعدیل یافته. شاخص‌های مطلق به واریانس خطا یا واریانس تبیین شده می‌پردازند که پس از برازش مدل باقی می‌ماند. شاخص‌های نسبی، به مقایسه یک مدل با مدل‌های ممکن دیگر می‌پردازند و در نهایت شاخص‌های تعدیل یافته به این مطلب می‌پردازند که مدل مورد نظر چگونه برازندگی و صرفه جویی را باهم ترکیب می‌کند، یعنی در عین داشتن برازش خوب از گستردگی بدون دلیل مدل نیز جلوگیری می‌شود. نگاره ۳ شاخص‌های برازندگی متغیرهای مدل را نشان می‌دهد.

نگاره ۳: شاخص‌های برازندگی

شاخص	مقدار	مقدار مطلوب
P-Value	< ۰/۰۰۱	
کی دو (Chi-Square)	۵۶۸/۵۶۴	
درجه آزادی (d.f.)	۱۶۸	
نسبت کی دو به درجه آزادی	۳/۳۸۴	۱ تا ۵
ریشه میانگین مجذور خطای تقریب (RMSEA)	۰/۰۹۲	< ۰/۰۸
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	۰/۹۴۱	> ۰/۹
ریشه میانگین مجذور مانده (RMR)	۰/۰۷۹	< ۰/۰۵
شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۸۳۸	> ۰/۹
شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI)	۰/۷۹۷	> ۰/۹
شاخص صرفه جویی برازندگی (PGFI)	۰/۶۷۰	حدود ۰/۵

بنا به میزان P-Value و اندازه مناسب آماره Chi-square نسبت به درجه آزادی و سایر شاخص‌های برازندگی که اغلب آن‌ها نزدیک به مقدار مطلوب هستند، مدل مورد پژوهش پذیرفته می‌شود. شاخص Root Mean Square Error of Approximation یا RMSEA یکی از شاخص‌های اصلی نیکویی برازش در مدل‌های معادلات ساختاری است. ریشه میانگین مربعات خطاهای تخمین یا همان RMSEA در بیشتر تحلیل‌های عاملی تأییدی و مدل‌های معادلات ساختاری استفاده می‌شود. با توجه به مقدار مناسب این شاخص که نزدیک از ۰/۰۸ می‌باشد، مدل از نظر برازندگی مناسب می‌باشد.

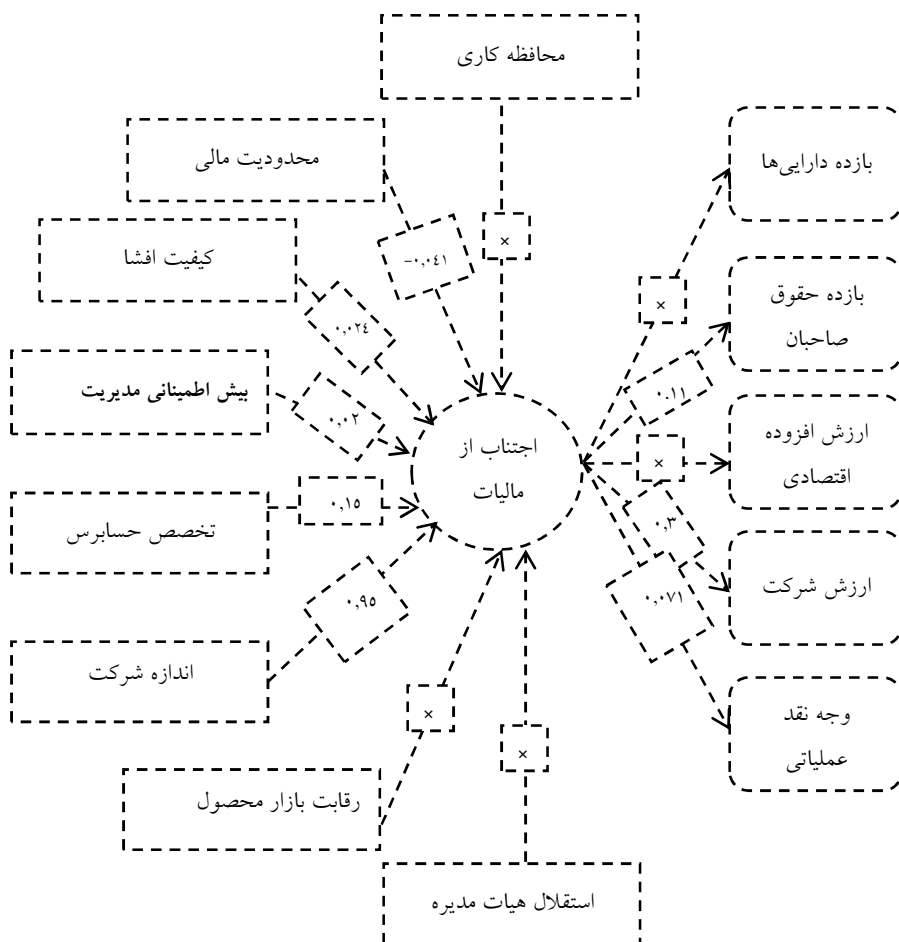
به منظور سنجش سوال‌ها این تحقیق از روش معادلات حداقل مربعات جزئی استفاده شده است. نگاره ۴ آزمون معناداری ضرایب مسیر مستقیم برازش شده به مدل درونی را نشان می‌دهد به‌طور کلی نتایج به‌دست آمده از نگاره ۳ به شرح ذیل است:

کیفیت افشا، بیش اطمینانی مدیریتی، تخصص حسابرسان، محدودیت مالی و اندازه شرکت بر اجتناب از مالیات اثر معنادار و مثبتی دارد. از طرفی رابطه معناداری بین رقابت بازار محصول، استقلال هیأت‌مدیره و محافظه‌کاری با اجتناب از مالیات مشاهده نشد. نتایج همچنین بیانگر آن است که اجتناب از مالیات تأثیر بر بازده دارایی‌ها و ارزش‌افزوده اقتصادی اثر معناداری ندارد ولی بر بازده حقوق صاحبان سهام، ارزش شرکت و وجه نقد عملیاتی اثر معنادار و مثبتی دارد.

نگاره ۴: اثر مستقیم متغیرها بر یکدیگر

مقدار احتمال	مقدار آماره t	انحراف از خطا	برآورد ضریب مسیر	ضرایب مسیر مستقیم متغیر توضیحی ← متغیر وابسته	
۰/۰۰۰۰	۷/۲۷۲۷	۰/۰۰۳۳	۰/۰۲۴	اجتناب از مالیات	کیفیت افشا
۰/۰۰۰۰	۱۱	۰/۰۰۲	۰/۰۲۲	اجتناب از مالیات	بیش اطمینانی مدیریتی
۰/۰۲۳۸	۲/۲۷۲۷	۰/۰۶۶	۰/۱۵	اجتناب از مالیات	تخصص حسابرس
۰/۹۷۴۴	۰/۰۳۲۱	۰/۲۸	۰/۰۰۹	اجتناب از مالیات	رقابت بازار محصول
۰/۴۴۲۴	-۰/۷۶۹۲	۰/۰۱۳	-۰/۰۱	اجتناب از مالیات	استقلال هیات مدیره
۰/۰۰۰۰	-۱۳/۶۶۶۷	۰/۰۰۳	-۰/۰۴۱	اجتناب از مالیات	محدودیت مالی
۰/۹۷۹۸	۰/۰۲۵۳	۰/۱۵۸	۰/۰۰۴	اجتناب از مالیات	محافظه کاری
۰/۰۰۰۰	۴/۵۶۷۳	۰/۲۰۸	۰/۹۵	اجتناب از مالیات	اندازه شرکت
۰/۳۶۴	۰/۹۰۹	۰/۰۱۱	۰/۰۱	بازده دارایی‌ها	اجتناب از مالیات
۰/۰۰۰۰	۸/۴۶۱۵	۰/۰۱۳	۰/۱۱	بازده حقوق صاحبان سهام	اجتناب از مالیات
۰/۸۳۰۷	۰/۲۱۴۱	۰/۳۱۳	۰/۰۶۷	ارزش افزوده اقتصادی	اجتناب از مالیات
۰/۰۰۱۵	۳/۲۱۲۸	۰/۰۹۴	۰/۳۰۲	ارزش شرکت	اجتناب از مالیات
۰/۰۰۰۰	۱۴/۲	۰/۰۰۵	۰/۰۷۱	وجه نقد عملیاتی	اجتناب از مالیات

به عبارت دیگر الگوی تحقیق و ضرایب مستقیم مسیر به صورت شکل ۲ خواهد بود.



شکل ۲. الگوی تحقیق و ضرایب مسیر برآورد شده

۵- نتیجه گیری و پیشنهادها

در این تحقیق سعی بر آن بود که بتوانیم عامل‌های مؤثر بر اجتناب از مالیات و تأثیر اجتناب از مالیات را بر برخی عامل‌های عملکردی شرکت‌ها بسنجیم. به‌طورکلی هدف اصلی این تحقیق بررسی عوامل مؤثر بر اجتناب از مالیات و تأثیر اجتناب از مالیات بر متغیرهای مالی شرکت‌ها بود که برای این منظور تأثیر ۹ متغیر را بر اجتناب از مالیات و تأثیر اجتناب از مالیات را بر ۵ متغیر سنجیده شد. و در نهایت پاسخ سؤالات تحقیق به شرح ذیل است.

عامل‌های کیفیت افشا، محدودیت مالی، پیش اطمینانی مدیریتی، تخصص حسابرس و بر اجتناب از مالیات شرکت‌ها تأثیر معناداری دارند. در رابطه با تأثیر معنادار هر یک از متغیرهای ذکر شده اینگونه می‌توان تحلیل کرد که شرکت‌های با شفافیت بالا، پتانسیل تضاد نمایندگی کمتر و اجتناب مالیاتی بیشتر نسبت به شرکت‌هایی با شفافیت پایین دارند. از طرفی نیز شرکت‌هایی که حسابرس آن‌ها متخصص صنعت باشد دارای نرخ موثر مالیات کمتر، نرخ مؤثر مالیات نقدی کمتر و تفاوت دفتری مالیات بیشتری نسبت به شرکت‌هایی می‌باشند که حسابرس آن‌ها متخصص صنعت نیست. این امر نشان دهنده‌ی سطح بالای اجتناب مالیاتی شرکت‌ها است. در رابطه با پیش اطمینانی مدیریتی اینگونه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که با توجه به اینکه مدیران بیش اطمینان در نتیجه‌ی این باور که آن‌ها اطلاعات ویژه‌ای در اختیار دارند و دیگران از آن بی‌بهره‌اند، دقت اطلاعات و به تبع آن، سودها و جریان‌های نقدی آتی واحد تجاری خود را بیش از حد تخمین می‌زنند و چشم انداز مثبتی از ریسک و بازده آتی شرکت دارند، اجتناب از مالیات با هدف کاهش هزینه‌ها توسط این افراد امری بدیهی و قابل پیش بینی است. در رابطه با تأثیر متغیر محدودیت مالیاتی اینگونه می‌توان گفت زمانی که شرکت‌ها در محدودیت مالی قرار دارند میزان دسترسی به منابع مالی خارجی کاهش می‌یابد، در نتیجه انتظار می‌رود بیشتر از پراخت مالیات اجتناب کنند. این نتیجه‌گیری همسو با یافته‌های مالمندیر و تیت (۲۰۰۵؛ ۶۶۱)، گویتا (۱۹۹۷؛ ۲۸۷)، کیم و همکاران (۲۰۰۵؛ ۳۳)، فرگوسن و همکاران (۲۰۰۳؛ ۴۲۹) و سولومون (۱۹۹۹؛ ۱۹۱) می‌باشد. عامل‌های محافظه‌کاری، رقابت بازار محصول و استقلال هیأت‌مدیره بر اجتناب از مالیات شرکت‌ها تأثیر معناداری ندارند. با توجه به اثرات محافظه‌کاری؛ عموماً محافظه‌کاری منجر به حذف مالیات نمی‌شود، بلکه با به تعویق انداختن زمان شناسایی و پرداخت مالیات، ارزش فعلی مالیات‌های پرداختنی کاهش و از این طریق شرکت منتفع می‌گردد. در رابطه با معنادار نبودن متغیر رقابت بازار محصول با میزان اجتناب از مالیات شرکت‌ها می‌توان اینگونه تحلیل کرد که هرچه رقابت کمتری بین شرکت‌ها وجود داشته باشد یا شرکت در وضعیت انحصاری قرار داشته باشد کمتر خود را درگیر فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات خواهد کرد یا بالعکس. در رابطه با معنادار نبودن رابطه استقلال هیأت‌مدیره با اجتناب از مالیات شرکت‌ها می‌توان گفت بازار سرمایه ایران در حال حاضر ناپاست و به تازگی حرکت خود به سوی ساختارهای راهبری شرکتی آغاز کرده و توجه به اثربخشی معیارهای راهبری شرکتی بر اجتناب از مالیات هنوز آنچنان که باید مد نظر قرار نگرفته است. این نتیجه‌گیری برخلاف یافته‌های خدای پور و بزرایی (۱۳۹۴؛ ۵۱)، هانلون و هیتزمن (۲۰۱۰؛ ۵۰)، واتس (۲۰۰۳؛ ۲۰۷) و مهرانی و سیدی (۱۳۹۳؛ ۱۳) می‌باشد. اجتناب از مالیات بر عامل‌های بازده حقوق صاحبان سهام، ارزش شرکت و وجه نقد عملیاتی شرکت‌ها تأثیر معناداری دارد و بر بازده دارایی‌ها و ارزش افزوده اقتصادی شرکت‌ها بی‌تأثیر است. اجتناب از مالیات با توجه به اینکه انتقال ثروت از سهامداران به دولت را کاهش می‌دهد،

می‌تواند به عنوان یک فعالیت ارزش آفرین تلقی شود و تأثیر مثبتی بر بازده حقوق صاحبان سهام، ارزش شرکت و وجوه نقد عملیاتی داشته باشد. این نتیجه‌گیری با یافته‌های مشایخی و علی پناه (۱۳۹۴؛ ۴۹) همسو می‌باشد. این پژوهش تحت تأثیر محدودیت‌هایی مانند عدم تعدیل اقلام صورت‌های مالی به واسطه‌ی وجود تورم و همچنین عدم کنترل بعضی از عوامل مؤثر بر نتایج پژوهش از جمله تأثیر متغیرهایی چون عوامل اقتصادی، شرایط سیاسی، وضعیت اقتصاد جهانی، قوانین و مقررات بوده که ممکن است بر بررسی روابط اثرگذار باشد.

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش، می‌توان موارد شماره شده در زیر را پیشنهاد داد: با توجه به تأثیر مستقیم ویژگی‌های حسابرِس (تخصص حسابرِس) بر اجتناب مالیاتی، پیشنهاد می‌گردد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، به تخصص موسسه حسابرِس و اعتبار و بزرگی آن توجه نموده و در این راستا باعث کاهش اجتناب مالیاتی شوند.

با توجه به تأثیری که اجتناب از مالیات بر ارزش شرکت و به دنبال آن بازده حقوق صاحبان سهام و وجه نقد عملیاتی شرکت دارد به مدیران شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود از طریق فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات، میزان خروجی عایدات شرکت را از طریق مالیات کاهش دهند و به‌نوعی یک جریان نقدی را به درون شرکت ایجاد کنند.

با توجه به گستردگی بحث اجتناب از مالیات، پیشنهاد می‌شود متغیرهای آشکار آن با استفاده از سایر رویکردها (مانند رویکردهای اقتصادی، روانشناسی، اجتماعی و ...) اندازه‌گیری شده و اثر سایر متغیرهای بر روی آن مورد پژوهش قرار گیرد.

یادداشت‌ها

- | | |
|-----------------------------|--------------------------------------|
| 1- Hanlon, M. & S. Heitzman | 15- Cai & Lio |
| 2- Chyz & et al. | 16- Irvine & Pontiff |
| 3- Agency theory | 17- Peress |
| 4- Desai and Dharmapala | 18- Chen & Miller |
| 5- Pasternak and Rico | 19- Crocker & et al. |
| 6- Watts | 20- Kend |
| 7- Kim and K. Jung | 21- Ferguson & et al. |
| 8- Malmendier & Tate | 22- Solomon |
| 9- Heaton | 23- Bonner & et al. |
| 10- Ben & et al. | 24- Koester & et al. |
| 11- Gupta | 25- Kubick & et al. |
| 12- Kim & et al. | 26- Givoly, D & C. Hayn |
| 13- Chen & Lai | 27- Scherand, C.M., and Zechman, S.L |
| 14- Almeida & et al. | |

۱. ابراهیمی کردلر، علی و رحمتی، سلمان. (۱۳۹۲). بررسی رابطه اندازه، دوره تصدی و تخصص حسابرسان در صنعت با نقدشوندگی سهام، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۵ (۲۱): ۳۸-۵۱.
۲. تحریری، آرش و خوئینی، مهین. (۱۳۹۶). کیفیت اطلاعات داخلی، کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، دانش حسابداری مالی، ۴ (۱): ۱۰۲-۱۲۰.
۳. جبارزاده کنگرلویی، سعید؛ بهنمون، یعقوب؛ بهزادی، نهاد و شکوری، سمیرا. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت با تأکید بر هزینه نمایندگی و کیفیت افشای شرکتی، راهبرد مدیریت مالی، ۴ (۳): ۲۵-۴۸.
۴. جوانی داشدبی، قاسم و اصلانی، عظیم. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی شرکت‌ها و هزینه حقوق صاحبان سهام، چهارمین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت و اولین کنفرانس کارآفرینی و نوآوری‌های باز: ۱-۸.
۵. حساس یگانه، یحیی و گل‌محمدی شورکی، مجتبی. (۱۳۹۰). رابطه بین نرخ مؤثر مالیات و ویژگی‌های شرکت‌ها، پژوهشنامه مالیات: ۱۹ (۱۲): ۲۴۰-۲۶۳.
۶. حسنی القار، مسعود و شعری آناقیز، صابر. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی، دانش حسابداری، ۸ (۱): ۱۰۷-۱۳۴.
۷. حقیقت، حمید و محمدی، محمدحسن. (۱۳۹۲). بررسی رابطه‌ی بین اجتناب مالیاتی با کیفیت افشاء و ارزش شرکت، مطالعات کمی در مدیریت: ۴ (۱): ۲۰۹-۲۲۸.
۸. خانی، عبدالله؛ ایمانی، کریم و ملایی، مهنام. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین تخصص حسابرسان در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، ۱۳ (۵۱): ۶۸-۴۳.
۹. خدابی پور، احمد و بزرایبی، یونس. (۱۳۹۴). تأثیر رقابت بازار محصول بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشنامه مالیات، ۲۷ (۲۳): ۷۴-۵۱.
۱۰. خراسانی، مرجان. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی بر متغیرهای نوین و سنتی سنجش عملکرد. سومین کنفرانس جهانی مدیریت، اقتصاد حسابداری و علوم انسانی در آغاز هزاره سوم، ۱-۸.
۱۱. خواجوی، شکراله و کیامهر، محمد. (۱۳۹۵). مدل سازی اجتناب مالیاتی با استفاده از اطلاعات حسابداری، شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران، مجله دانش حسابداری، ۲۲ (۲۵): ۷۹-۱۰۰.

۱۲. روحانی، محبوبه و شهریاری، علیرضا. (۱۳۹۴). بررسی ارتباط بین اجتناب از مالیات و بازده مجموع دارایی‌ها (شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)، اولین همایش ملی پژوهش‌های کاربردی حسابداری، مدیریت و اقتصاد، ۱-۸.
۱۳. فروغی، داریوش و محمدی، شکوفه. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش و سطح نگهداشت وجه نقد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله پژوهشنامه مالیات*، (۲۰): ۱۰۱-۱۲۲.
۱۴. مشایخی، بیتا و سیدی، سیدجلال. (۱۳۹۴). راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی، *مجله دانش حسابداری*، (۲۰): ۱۰۳-۸۳.
۱۵. مشایخی، بیتا و صبری، علی پناه. (۱۳۹۴). تأثیر راهبری شرکتی بر رابطه‌ی بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت، *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*: ۷، ۲۵: ۴۹-۶۴.
۱۶. مهرانی، ساسان و سیدی، سیدجلال. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر مالیات بر درآمد و حسابداری محافظه کارانه بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، (۱۰): ۱۳-۳۴.

17. Almeida, H. , Compello, M & Weisbach, M. (2004). The cash flow sensitivity of cash, *Journal of finance*, 4: 1777-1804.

18. Ben-David, I. , Graham, J. R. & Harvey, C. R. (2010). Managerial miscalibration, *Working paper, Duke University*: 1547-1584.

19. Bonner, S. , J. Davis, and B. Jackson. (1992). Expertise in corporate tax planning: The issue at the identification stage , *Journal of Accounting Research*, 30: 1-28.

20. Cai, H & Lio, Q. (2009). Competition and Corporate Tax Avoidance: Evidence from Chinese Industrial Firms, *Economic Journal*, 119:(537), 764-795.

21. CHEN, C., AND S. LAI. (2012). Financial Constraint and Tax Aggressiveness. *Working paper*, University of Auckland and Chinese University of Hong Kong.

22. Chen, M. , Miller, D. (1994). Competitive attack, retaliation and performance: an expectancy- valence framework. *Strategic Management Journal* 15: 85-102.

23. Chen, X.; Hu N.; Wang X.; and X Tang (2014). Tax Avoidance and Firm Value: Evidence from China, *Nankai Business Review International*, 5 (1): 25-42.

24. Chyz, J. , Gaertner, F. , Kausar, A. & Watson, L. (2014). Overconfidence and Aggressive Corporate Tax Policy. *Available at SSRN 2408236* ,30-43.

25. Crocker, K. and Slemrod, J. (2005). Corporate tax evasion with agency costs, *Journal of Public Economics*, 89(9-10) ,1593-1610.

26. Desai, M. A. , and D. Dharmapala. (2009). Corporate Tax Avoidance and Firm Value, *The Review of Economics and Statistics*,: 91.

27. Ferguson, A. , J. Francis, and D. Stokes. (2003). The effects of firm-wide and office-level industry expertise on audit pricing, *The Accounting Review*, 78 (2): 429-448.
28. Givoly, D., and C. Hayn. (2000). The Changing Time - series Properties of Earnings, Cash Flows and Accruals: Has Financial Reporting Become More Conservative? *Journal of Accounting and Economics* 29: 287 -320
29. Gupta, S. , and K. Newberry. (1997). Determinants of the variability in corporate effective tax rates: evidence from longitudinal data. *Journal of Accounting and Public Policy* 16: 1-34.
30. Hanlon, M. & S. Heitzman .(2010). A Review of Tax Research, *Journal of Accounting and Economics*, 50.
31. Heaton, J. (2002). Managerial optimism and corporate finance. *Financial Management*, 31 (2): 33-45.
32. Irvine, P. , Pontiff, J. (2009). Idiosyncratic return volatility, cash flows, and product market competition. *Review of Financial Studies* 22: 1149-1177
33. Kend M. (2008). Client industry audit expertise: towards a better understanding, *Pacific Accounting Review*, 20:49-62.
34. Kim , B. and K. Jung. (2007). The Influence of Tax Costs on Accounting Conservatism. *Working Paper*. Korea Advanced Institute of Science and Technology 100-150.
35. Kim B. , Jung K & Kim, I. (2005). Internal funds allocation and the ownership structure: evidence from Korean business groups, *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 25: 33-53.
36. Koester, A., Shevlin, T., Wangerin, D. (2016). The role of managerial ability in corporate tax avoidance. http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2753152
37. Kubick, R. Lynch, D. Mayberry, M. (2014). The Effects of Increased Financial Statement Disclosure Quality on Tax Avoidance: An Examination of SEC Comment Letters. *Journal of the American Taxation Association*, 33(2): 35-65.
38. Malmendier, U. & Tate, G. (2005). CEO Overconfidence and Corporate Investment. *Journal of Finance*, 60 (6): 661-700.
39. Pasternak, M. & Rico, C .(2008). Tax Interpretation, Planning, and Avoidance: Some Linguistic Analysis, *Akron Tax Journal*, 23, 33-79.
40. Peress, J. (2010). Product market competition, insider trading and stock market efficiency. *Journal of Finance* 65, 1-43.
41. Scherand, C.M., and Zechman, S.L. (2011). Executive overconfidence and the slippery slope to financial misreporting. *Journal of Accounting and Economics*, 7 (11): 4-11.
42. Solomon, I. , M. Shields, and O. Whittington. (1999). What do industry-specialist auditors know? *Journal of Accounting Research*, 37 (1): 191-208.
43. Watts, R. (2003a). Conservatism in Accounting Part I: Explanations and Implications. *Accounting Horizons* 17 (3) : 207-222.